

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَصَلِّ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ (ع) وَصِيِّ الْأَنْبِيَاءِ
وَأَمَامِ الْأَخْيَارِ وَعَيْبِهِ الْأَنْوَارِ وَوَارِثِ السَّكِينَةِ وَالْوَقَارِ وَالْحِكْمِ وَالْأَثَارِ الَّذِي كَانَ يُحْيِي
الَّيْلَ بِالسَّهْرِ إِلَى السَّحْرِ بِمُوَاصَلَةِ الْأَسْتِغْفَارِ حَلِيفِ السَّجْدَةِ الطَّوِيلَةِ وَالْدُمُوعِ الْغَزِيرَةِ
وَالْمُنَاجَاتِ الْكَثِيرَةِ وَالضَّرَاعَاتِ الْمُتَّصِلَةِ وَمَقَرِّ النَّهْيِ وَالْعَدْلِ وَالْخَيْرِ وَالْفَضْلِ وَالنَّدَى
وَالْبَدَلِ وَمَأَلَفِ الْبُلُوبِ وَالصَّبْرِ وَالْمُضْطَهَدِ بِالظُّلْمِ وَالْمَقْبُورِ بِالْجُورِ وَالْمُعَذَّبِ فِي قَعْرِ
السُّجُونِ وَظَلَمِ الْمَطَامِيرِ ذِي السَّاقِ الْمَرَضُوضِ بِحَلْقِ الْقِيُودِ وَالْجِنَازَةِ الْمُنَادِي عَلَيْهَا بِذُلِّ
الْأَسْتِخْفَافِ وَالْوَارِدِ عَلَى جَدِّهِ الْمُصْطَفَى وَأَبِيهِ الْمُرْتَضَى وَأُمِّهِ سَيِّدَةِ النَّسَاءِ بَارِثِ مَعْصُوبٍ
وَوَلَاءِ مَسْلُوبٍ وَأَمْرِ مَغْلُوبٍ وَدَمٍ مَطْلُوبٍ وَسَمِّ مَشْرُوبٍ ...

خدایا درود فرست بر محمد و خاندانش و درود فرست بر موسی بن جعفر (ع) وصی
نیکوکاران و پیشوای خوبان و گنجینه انوار و وارث آرامش و وقار و فرزاندگی و آثار، آن
بزرگواری که شب زنده دار و بیدار بود تا هنگام سحر و پیوسته مشغول استغفار بود، همدم
و رفیق سجده های طولانی و اشکهای ریزان و مناجات بسیار و زاری و ناله پیوسته و هم
او مقر عقل و خرد و عدالت و نیکی و فضیلت و بخشش و جود و عطا بود و نیز آن
حضرت خوگرفته بود به بلا و شکیبائی و پایمال ظلم و ستم گشت و به ظلم و جور
مدفون گردید و در سیاه چالهای زندان وسلولهای تاریک تحت شکنجه و عذاب بود. آن
بزرگواری که ساق پایش از فشار حلقه های کُند و زنجیر شکسته و خرد شد و صاحب آن
جنازه مقدسی که جلوش جار می زدند با کمال خواری و سبکی و آنکه با زهری که
دشمن به او خوراند بر جدش مصطفی (ع) و پدرش مرتضی (ع) و مادرش بانوی زنان وارد
شد در حالی که ارثش به یغما رفته و حکومتش ربوده شده و در کار خود مغلوب دشمنان
گشته و دشمن ریختن خونش را می خواست ...